



فیلم - مجموعه پدیده‌های مثبت یا مخرب برای سینما؟

ع - فرزانه

رواج روزافزون پدیده شگفت «فیلم - مجموعه» در نظام تولید فیلم سینمای ایران و برنامه‌سازی صدا و سیما، بحث‌های داغی را در سطح محافل هنری و نشریات سینمایی برانگیخته است. این بحث که در سال ۷۴ مهمترین موضوع صحبت دست‌اندرکاران سینمای ایران و به طور کلی محافل سینمایی و شاید بزرگترین مسئله سینمای ایران در این سال بود، به دلایلی چند به سرعت در فضای ذهنی موجود، جایگزین مسائل پیچیده‌تر و اصلی‌تر سینما از جمله برنامه‌ریزی، ضعف محتوایی (فیلمنامه) روند صعودی هزینه‌های تولید فیلم، مشکلات سالنهای نمایش فیلم، کمبود فروش فیلمها، عدم برگشت سرمایه، عدم پرداخت وام تبصره سه از سوی تهیه‌کنندگان فیلمها به دلیل همان عدم فروش فیلمشان و دیگر مسائل داخلی سینما شد.

این که این پدیده تا چه اندازه در حرکت رو به رشد سینمای ایران مؤثر است و اصلاً آیا می‌تواند مؤثر باشد یا خیر و اگر مؤثر است، با برچیده شدن این پدیده نوظهور از عرصه سینمایی - تلویزیونی کشور آیا ضروری به اقتصاد سینما و جنبه صنعتی سینما و از سوی دیگر به صفحه کوچک تلویزیون، با توجه به مخاطبان این دو رسانه وارد می‌آورد یا خیر، خود می‌تواند موضوع تحقیقی گسترده و جامع باشد که تا حد امکان به آن می‌پردازیم.

حالا چرا این اندازه موضوع فیلم - مجموعه حساس شد نیز خود جای بحثی جداگانه دارد. با ایجاد تغییر و تحول مدیران صدا و سیما و علی‌الخصوص به وجود آمدن سیما فیلم و تعیین وظایف مشخص برای تشکیلات وابسته به سازمان صدا و سیما به منظور سرمایه‌گذاری و تولید بالای برنامه‌های سنگین تلویزیونی، موضوع فیلم سینمایی که از دل یک مجموعه تلویزیونی مثلاً سیزده قسمته در بیاید مطرح گردید. منشأ این فکر از آنجا بود که تیم جدید با تجربیات طولانی و وسیع سینمایی

مسئولیتها را عهده‌دار شده بودند، بدیهی بود که احساس مسئولیت، علاقه و دلمشغولیهای زیاد نسبت به سینما از سوی و حسن نیت موجود برای نزدیک کردن سینما و تلویزیون پس از سالها به هم و ایجاد تفاهم و یکدلی فرهنگی و بدیهاتناهای فکری برای ایجاد تعادل در عرضه یک خط واحد فرهنگی و سینمایی به مردم و توافق در تشکیلات مهم هنری از سوی دیگر، توجه جدی و حمایت از سینما توسط گردانندگان جدید تلویزیون را در این سنجر فرهنگی موجب گردیده بود. بنابراین حرکت تازه سیاستگزاری مبتنی بر آن با حسن نیت کامل نسبت به سینما انجام گرفت. حسن نیتی که در جهت اعتلا و گسترش و پیشرفت صورت گرفت و نمی‌توان نسبت ناروای ضربه‌زدن و تعطیل کردن صنعت سینمای ایران را به این گروه داد. این مهمترین نکته‌ای است که باید در این باب مدنظر داشت.

عامل مبهم دیگر در پیدایش این پدیده مسأله سرمایه‌گذاری کلان در ساخت سریالهای بزرگ و پرخرج بود و هدفی که سیما فیلم از برنامه‌ریزی برای تولید «فیلم - مجموعه» دارد، حداقل از جهت تأمین بودجه کافی برای تولید انبوه برنامه‌های تلویزیونی، از طریق استخراج یک فیلم سینمایی از یک مجموعه تلویزیونی و نمایش آن در سینماهاست نشان از به روز شدن سیاستهای سیما دارد. به هر حال اگر از مجموعه‌های پرخرج تلویزیونی بتوان یک یا دو فیلم سینمایی تهیه کرد که با فروش گیشه‌ای در سالنهای سینما بتواند بخشی از سرمایه را بازگرداند، هم می‌تواند از بار مالی که بر دوش صدا و سیما افتاده است، کاست و هم زمینه را برای تولید انبوه و سرعت بخشیدن به کارها فراهم نمود.

هر چند که تعقیب مستمر این هدف در دراز مدت شاید به اضمحلال بخش خصوصی و در نتیجه نابودی سینمای ایران بیانجامد اما آنچه فعلاً اهمیت دارد، میزان اشراف فیلمسازان و برنامه‌سازان بر تفاوت موجود بین دو رسانه سینما و تلویزیون است و اینکه آیا این افراد قادرند از طریق زدن یک نشان با چندین و چند تیر، تماشاگران و بینندگان خود را قانع و مجاب کنند یا نه؟ چه بسا که وقوف بر تفاوت‌های رسانه‌ای به راحتی بتواند ضمن جلوگیری از انهدام سینما، «سیماگران» را نیز در نیل به هدفشان با موفقیت همراه سازد.

در جمع‌بندی نظرات اهالی سینما، که البته اکثر آنها موضع مثبتی نسبت به این جریان به وجود آمده نداشتند به ضرورت موضوع سوالهایی مطرح شد و جوابهایی شنیده شد که صحبت‌های این دوستان را در ادامه و به حسب

موضوع مطرح شده ذکر می‌کنیم.

حبیب اسماعیلی یکی از مدیران تولید پرکار سینمای ایران که در زمینه بازیگری هم تجربیاتی دارد ضمن بررسی جنبه صنعتی سینما و نامناسب شمردن این پدیده گفت:

«تلویزیون به دلیل مخاطبهای بی‌شماری که دارد، خواه ناخواه بیننده‌های بیشتری را جذب خود می‌کند. اگر فیلمهای سینمایی پس از اکران مدت کوتاهی از شبکه‌های سیما پخش شوند، در دراز مدت تأثیری منفی بر بیننده‌های تلویزیون و تماشاگران سینما خواهد گذاشت. چرا که تماشاگر فکر می‌کند پس از مدتی کوتاه می‌تواند فیلم دلخواه خود را در تلویزیون ببیند. به همین جهت فکر می‌کنم این کار روی هم رفته تأثیری منفی بر کل جریان تولید فیلم بگذارد و موجب کاهش تماشاگران سینما شود. از سوی دیگر برای جذب تماشاگران به سالنهای سینما باید از سوره‌ها و فیلمنامه‌های متنوع و قابل اعتنائی با کادر مجرب و متخصص در سینمای ایران سود جست تا اصولاً تفکیکی میان سلیق تماشاگران سیما با سینما به وجود آید.»

حبیب اسماعیلی به نکته خوبی اشاره کرد: تفاوت سلیقه مخاطبهای دو گونه متفاوت رسانه، تفاوت مخاطبان سیما و سینما از لحاظ عدد و گونه‌گونی، یکی از مشهورترین تفاوت‌های رسانه‌ای است که به نسبت این تفاوت نحوه نظارت در این رسانه‌ها می‌تواند فرق داشته باشد. در اصل همین اختلاف است که تا حدودی لبه تیز قیچی نظارت را در سیما در مقایسه با سینما موجه جلوه می‌دهد. هر چند این موجه جلوه دادن نباید تا آن حد دامنه پیدا کند که تبدیل به توجیه‌کننده برخوردهای سلیقه‌ای و شخصی شود که متأسفانه تلویزیون و سینما هرگز نتوانسته‌اند از دست آن خلاصی یابند.

در بررسی زمانی این موضوع می‌توانیم بگوئیم اولین فیلمی که به صورت سریال از تلویزیون پخش شد فیلم «از کرخه تا راین» بود که به صورت سریالی چند قسمتی از شبکه اول سیما روی آنتن رفت. البته فیلم از کرخه تا راین بیش از برنامه‌ریزی گسترده سیما فیلم برای تولید فیلم - مجموعه و توسط بخش خصوصی تهیه شده است اما از آن جا که در هنگام ساخت از کرخه تا راین پیش‌بینی‌های لازم برای تهیه مجموعه‌ای تلویزیونی از آن صورت گرفته بود، لذا می‌توان این کار را به نوعی اولین تولید این پدیده دانست. نمایش تلویزیونی مجموعه از کرخه تا راین برخلاف مجموعه‌هایی که از فیلم‌هایی نظیر سرب و قربانی تهیه شده بودند و عدم توفیق نمایش آن در تلویزیون با

عدم توفیق نمایش سینمایی‌شان تضادی نداشت، علیرغم اکران موفق در سینماها، از توفیق چندانی برخوردار نشد. ساده‌ترین علتی که می‌شود برای این مسئله عنوان کرد که حتی برای محرزتر ساختن آن، گاه مقاله‌های بلند بالایی ذیل عنوان آسیب‌شناسی در نشریات عرضه می‌گردد، جرح و تعدیلهایی است که بر نسخه تلویزیونی فیلم اعمال شده است. واقعیت این است که علت فوق در ناموفق بودن این مجموعه بی‌تأثیر نیست، اما مواجه یکسویه با مسئله جرح و تعدیل در تلویزیون و فرق آن با نظام سینمایی کشور، که منجر به صدور احکامی مانند محکومیت مطلق این مسئله می‌شود، فقط نشان از عدم وقوف به بحث اساسی «تفاوت رسانه‌ای» دارد و همین بحث است که باید عمیقاً مورد توجه فیلمسازان این گونه کارها قرار گیرد.

سیف‌الله داد کارگردان دیگر سینمای ایران که اتفاقاً در مقام تهیه فیلم، مدیر تولید فیلم از گروه تا و این نیز بوده است ضمن مخالفت با این پدیده و ابراز این نکته که این پدیده در دراز مدت اثرات منفی بر اقتصاد سینما و بر حیثیت سینما خواهد گذاشت، گفت:

«در این روش هر فیلمی که در سینما به نمایش در می‌آید، طی شش ماهه آینده و نهایتاً تا یکسال بعد از تلویزیون، به صورت سریال پخش خواهد شد. این باعث می‌شود که از استقبال کنندگان سینما کم شود و وقتی مخاطبین کاهش پیدا کنند، ضررش مستقیماً به بخش خصوصی وارد می‌شود و این بخش متضرر می‌گردد. در صورتی که سینما در واقع روی شانه‌های بخش خصوصی به وجود آمده و باید توسعه پیدا کند و نباید متزلزل شود. از سوی دیگر به علت باز بودن دست بخش دولتی برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه پرداخت دستمزد، نظام اقتصادی سینما و از جمله دستمزدها مختل می‌شود. سرمایه خصوصی در نظام عادلانه، عاملی تعیین‌کننده است. در این نظام قیمت یک شی و یا یک کار به درستی مشخص می‌شود. طبیعتاً در شکل نخست سرمایه، سرمایه سالمی نیست و نقشی مخرب برای سینما دارد زبان دیگر که جنبه حیثیتی سینما را به خطر می‌اندازد به موضوع خوشنامی سینمای ایران بازمی‌گردد. آدمی در سینمای ایران تن به سخت‌ترین کارها با دست‌آویز قرار دادن امکانات فرهنگی داده و به سینمای ایران حمله می‌کند تا فیلمی بسازد و یکی به اسم سیاست و یکی به اسم هنر و یکی هم به اسم... سمی کرده است با بی‌آبرو کردن سینمای ایران آبروی خودش را حفظ کند و حالا هم تن بدهد به مجموعه تلویزیونی؟»

زمان در سینما بیشترین ارزش را دارد ولی در تلویزیون فاقد ارزش است. طولانی کردن زمان یک فیلم یعنی کش دادن بدون منطق. وقتی مردم بشنوند فلان فیلم اکران شده خوب است و قششان را برای آن فیلم می‌گذرانند و اگر بشنوند بد است برای آن دو ساعتشان ارزش قائلند. یک تهیه‌کننده سریال تلویزیونی به هر حال مجبور به قبول یک سری چیزهاست و کمتر دستش برای نوآوری، خلاقیت و ریسک کردن باز است. به این ترتیب شما سالی ۱۰ فیلم سینمایی از چنین مجموعه‌هایی خواهید داشت که جز کارهایی تکراری فاقد هرگونه خلاقیت نیستند و در این شکل تلاشها و سرمایه دولت جز به تولید چند فیلم کلیشه‌ای نینجامیده است. اگر قرار است سینمای فرهنگی داشته باشیم باید فقط به سینمای بخش خصوصی توجه کنیم.

از معدود تهیه‌کنندگان موافق این پدیده فوادنور بود که از او در این زمینه فیلم چهره را پیش‌رو داریم که اتفاقاً این فیلم باید بعد از اکران عمومی در صفحه کوچک تلویزیونی به نمایش دربیاید. جالب این جاست که این فیلم از جایی ضربه خورده که کمبودهای یک سریال در آن حس می‌شود. شخصیت‌پردازیهای ناقص و یک‌قصه واحد برای تمام فیلم از اشکالات این فیلم است. فواد نور در این زمینه می‌گوید:

«اگر به عنوان مثال یک سریال سیزده قسمتی، پنج یا

شش قصه داشته باشد، که هر کدام از آنها در دو یا سه قسمت تمام شود و یکی از این قصه‌ها هم فیلم سینمایی بشود که کار بدی نیست. به طور کلی می‌خواهم بگویم اصل قضیه به نظر من بد نیست، چگونگی اجرا مهم است. البته سیما فیلم هم شاید اگر هر سال سهمیه معینی را برای این کار در نظر بگیرد بهتر باشد.

چگونگی اجرا هم بحث دیگری است که عبداللّه گیویان دبیر جشنواره سیما و مدیر اداره پژوهشهای صدا و سیما هم به آن اشاره داشت و گفت:

«این پدیده به صرف فیلم - مجموعه بودن حرکت بدی نیست. اما باید قالبهای کار مشخص باشد و از محدوده خود عدول نکند. اما اگر یک فیلم سینمایی مثلاً با ظرفیت ۹۰ دقیقه بخواهد به زور به یک سریال تلویزیونی تبدیل شود یا برعکس یک سریال تلویزیونی بخواهد با حذف

- از زمان شروع طرح «فیلم - مجموعه» تا به امروز کارهای زیر به این شیوه در سیما فیلم جلوی دوربین رفته‌اند:
- ۱- آخرین فرصت
 - ۲- از جنوب تا شمال (تورج منصوری)
 - ۳- یازمانده (سیف‌الله داد)
 - ۴- جهان پهلوان تختی (علی حاتمی - بهروز افخمی)
 - ۵- دیپلمات (داریوش فرهنگ)
 - ۶- لیلی با من است (کمال تبریزی)
 - ۷- سایه به سایه (علی زکّان)
 - ۸- زندگی (محمدرضا اعلامی)
 - ۹- سلام به انتظار (کریم آتشی)
 - ۱۰- سفر به چزابه (رسول ملاقلی‌پور)
 - ۱۱- شب روباه (همایون اسعدیان)
 - ۱۲- عبور از خط سرخ (جمال شورجه)
 - ۱۳- فرار (رحیم رحیمی‌پور)
 - ۱۴- کارآگاه (حسین هدایت)
 - ۱۵- بانای چاو (احمدرضا گرشاسبی)
 - ۱۶- نخل محبت (قدرت‌الله صلح میرزایی)
 - ۱۷- هفت سنگ (عبدالرضا نواب صفوی)

افزافات به یک فیلم سینمایی تبدیل شود آن وقت است که دچار مشکل می‌شویم. ما هم صرفاً در جشنواره سیما به موضوعهایی اهمیت می‌دهیم که فقط برای تلویزیون ساخته باشند و این پدیده در جشنواره سیما جایی ندارد. اما یکی از تولیدکنندگان مخالف این پدیده سیروس تسلیمی بود. او ضمن این که این کار را به ضرر بخش خصوصی می‌دانست و عمر این پدیده را دو یا سه سال بیشتر نمی‌دید، گفت:

«الان ما داریم فیلم چهره را پخش می‌کنیم. این فیلم قرار است به صورت مجموعه از تلویزیون پخش شود. اگر کسی از این موضوع آگاه باشد دیگر رغبتی به دیدن فیلم در سینما و وقت گذاشتن برای آن ندارد. این یک پروسه شکست خورده است و فیلمهایی که به

این صورت تهیه می‌شود نه سریال خوبی می‌شود نه فیلم خوبی.

فیلم خوبی نیست از این بابت که یک داستان مثل یک آکاردئون باز شده و از میان این آکاردئون یک تکه برداشته شده. سریال خوبی نیست از این بابت که یک قصه محدود باز شده و در نتیجه چیز کسالت‌آوری خواهد شد و این تجربه‌ای است که در سالهای آینده شکست خواهد خورد و جمع خواهد شد.

احمد نجفی بازیگر نقش کارآگاه علوی در سریال کارآگاه بود. از این سریال دو فیلم سینمایی مجزا با نامهای «آخرین بندر» و «بیکانه‌ای در شهر» تهیه شد که به نوعی اولین فیلمهای کارآگاهی در ایران بودند. او در این زمینه گفت:

«با این روش موافق نیستم. البته اگر از یک موضوع فیلم سینمایی و سریال به طور جداگانه ساخته شود کار درستی انجام گرفته است و حتی ممکن است به سینما کمک بشود ولی به این صورت عجیب و غریب فیلم مجموعه‌ای تماشاگر سینما یا تلویزیون فرق دارد. این کار غلط است. خود من وقتی یک فیلم را دوباره در تلویزیون می‌بینم عصبی می‌شوم.

اگر فیلمی ۹۰ تا ۱۰۰ دقیقه زمان ببرد، چرا فیلمسازان را به ۱۸۰ دقیقه می‌کشاند و اگر ۱۸۰ دقیقه است پس چرا همان را در سینما نشان نمی‌دهند. کاری که اکنون می‌شود کاری جدید و بدعتی است و اصلاً سابقه نداشته. این یعنی استفاده از اوتی‌های یک فیلم و اضافهات یک فیلم سینمایی.

اما این جا یک سؤال باقی می‌ماند و آن این است که آیا با برنامه‌ریزی دقیق برای جلوگیری از صرف بودجه‌ای کلان برای یک سریال تلویزیونی یا فیلم سینمایی که از سوی مسئولین به اجرا گذاشته شد می‌توان به اهداف یاد شده پاسخ مثبت داد و یا برعکس موجب ضربه زدن به صنعت سینما گردید؟

پاسخ به این سؤال بسیار مشکل است. در سال گذشته با وجود جذب وسیع امکانات محدود سینما و نیروی انسانی متخصص آن توسط پروژه‌های مجموعه‌سازی سیما فیلم، سینمای کشور با قوت بیشتری به کار خود ادامه داد. تولید هفتاد فیلم سینمایی مستقل و ارائه سرویسهای سنگین به صدا و سیما برای تولید فیلم - مجموعه نشان از ظرفیت بالا و بالقوه سینمای کشور دارد و ظاهراً نباید نگران تعطیل شدن سینما به واسطه فعالیت گسترده تلویزیونی در این عرصه بود. البته این جنبه کمی قضیه است که خوشبختانه مسئولین، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران سینما با وجود مشکلات و موانعی در انجام کارها و تا حدودی ایجاد عصبیت‌های کاری در خصوص پدیده‌های ابزارها و ادوات فنی (که بیشتر ناشی از تراکم و گرمی میدان تولید می‌شود و نه پدیده فیلم - مجموعه) به خوبی از پس آن برآمدند و کار را با شایستگی و موفقیت به انجام رساندند.

سوی دیگر قضیه حضور کارگردانان در این گونه کارهاست و چگونگی کارگردانی این کارها به عنوان مثال در فیلم مجموعه بانای چاو به کارگردانی احمدرضا گرشاسبی کار بدین صورت پیش رفت که ابتدا یک فیلم سینمایی از ماجرای زندگی راهزنی به نام «آقاییک» ساخته شد و فیلم در حالی تمام شد که آقاییک را دست بسته به زندان بردند. در مجموعه آن هم حوادث فیلم در فلاش‌بک قرار دارد و ماجرای مجموعه سی سال از ماجرای فیلم جلوتر است و داستان آن از این قرار است که نوه آقاییک که نقش آن را نیز خود جهانگیر الماسی ایفا می‌کرد به دنبال هویت پدیزرگ خود می‌افتد. روش کار به این شکل ظاهراً نه به فیلم سینمایی آن ضربه می‌زند، نه به مجموعه‌اش. احمدرضا گرشاسبی کارگردان این فیلم مجموعه درباره این پدیده نظرانی دارد:

وضعیت بحران اقتصادی شدیدی گریبانگیر سینمای ما شده است و ساخت فیلم مجموعه اقدامی است برای

این که در تولید فیلم رکود ایجاد نشود و بهانه‌ای است برای اینکه چرخ سینمای ایران از گردش نیفتد و تولیدات روال همیشگی خود را داشته باشند. این ابتکار خوبی است که از سوی سیما فیلم انجام شده است و برخلاف تصور بعضی همکاران که اجرای این روش را بهبود و مضر می‌دانند و آن را خطری برای سینمای ایران و اقدامی در جهت تخریب سینما می‌شمرند من این عقیده را ندارم. این کار سطح سلیقه تماشاگران تلویزیون را بالا خواهد برد. و همین که قرار می‌شود از درون یک مجموعه تلویزیونی یک کار سینمایی هم بیرون بیاید، کار جدید بیشتری پیدا می‌کند و فیلمساز حساسیت بیشتری نسبت به ساخت فیلم پیدا می‌کند. امیدوارم با توجه سیما فیلم دستیابی به این هدف آسانتر و سریعتر شود.

کارگردانها مثل اینکه با این پدیده بیشتر موافق بودند حمید تمجیدی کارگردان سریال موفق مزد ترس که ادامه این سریال را با نام بازی یا مرگ در ترکیه ساخت که قرار است از تلویزیون پخش شود و یک فیلم سینمایی هم از آن روی پرده سینماها رفت، از موافقان این پدیده است. «فکر می‌کنم چیز بدی نیست. کارهای زیادی هم در این زمینه در سایر کشورها می‌شود. نظیر لارنس عربستان و... منتها شکل اجرای کار مهم است.

فیلم - مجموعه باید کار قوی و اجرای قوی و حرفه‌ای داشته باشد. ضمن اینکه گاهی اوقات مشکل بودجه هم پیش می‌آید و یا کارگردانی به هر حال نمی‌تواند در مدت زمان یک ساعت و نیم حرفش را بزند. او طبقاً احتیاج به زمان بیشتری دارد مجبور نیست الزاماً خود را در محدوده زمان سینمایی محصور کند»

«آخرین مرحله» یکی دیگر از کارهایی است که به صورت فیلم - مجموعه تهیه شده است. محسن محسنی‌نسب کارگردان این کار ضمن ابراز این نکته که با بالا بردن سطح سلیقه تماشاگران تلویزیون، می‌شود باعث شد تهیه کنندگان و کارگردانان سعی و تلاش بیشتری بکنند تا برنامه‌ها از لحاظ کیفی بالا بروند، ادامه داد:

فیلم - مجموعه به دلیل بالا بردن سطح سلیقه تماشاگران تلویزیون باعث می‌شود مردم دیگر آثار پیش پا افتاده و نازل را نپذیرند. این کار به طور کلی روی سطح فرهنگ مردم تأثیر مثبتی دارد وقتی فیلمی به صورت فیلم - مجموعه ساخته می‌شود، کارگردان با فرض و زمان بیشتری راجع به دکوپاژ و فضا سازی فیلم تصمیم می‌گیرد و روی میز مونتاز دستش بازر است.

در حقیقت تایم غیرمنطقی به فیلم سینمایی اضافه نمی‌کند. فیلم - مجموعه بودن آخرین مرحله باعث شد که من این فیلم را با فراغ خاطر بیشتری بسازم. از طرف دیگر تزریق بودجه تلویزیون در سینما باعث می‌شود که بودجه‌ی مازاد بر تولید یک فیلم سینمایی وارد سینما شود و این کمک بزرگی به سینمای ماست. البته اگر فیلم اکران شده با اختلاف زمانی کوتاهی از تلویزیون پخش شود ممکن است روی فروش فیلم در سینما تأثیر منفی بگذارد. در بسیاری از کشورها مثل آمریکا همزمان با اکران فیلم نوارهای ویدئویی فیلم توزیع می‌شود اما اصلاً تأثیرزی در فروش فیلمها نداشته. دیدن فیلم روی پرده سینما مسلماً اثر مستقیم‌تر و خالص‌تری روی بیننده می‌گذارد.»

از دیگر موافقان این پدیده شفیق آقا محمدیان کارگردان فیلمهای فرار از جهنم و راننده سفیر و... است:

«حرکتی که به نام فیلم - مجموعه از سوی سیما فیلم آغاز شده در وهله اول یک جریان پسندیده است، چرا که از سویی تلویزیون ساعات خالی خودش را پر می‌کند و از سوی دیگر سینما نیز می‌تواند فیلمهایی از درون این مجموعه‌ها در بیاورد. منتها یک مشکل اساسی وجود دارد و آن در مورد فیلمهای سینمایی است که از مجموعه جدا می‌شود و پس از اکران مشخص می‌شود که برای فیلم سینمایی آن فکر خاصی نشده است. لذا باید مقداری در این زمینه‌ها دقت شود تا در شکل سینمایی مشکل



آخرین مرحله



در انتظار صبح

کمال تبریزی به فیلمی موفق و در عین حال منحصر به فرد در نوع خود تبدیل شد. کمال تبریزی که قبل از این فیلم، فیلم پایان کودکی را از او به خاطر داریم، لیلی یا من است را نیز فیلم - مجموعه خواند و گفت: «فکر می‌کنم اگر ورسیتوهای سینمایی و تلویزیونی از نظر ساختار، دکوپاژ، تدوین و کاملاً از هم جدا باشند هیچ اشکالی ندارد. کار آنجا اشکال پیدا می‌کند که سریالی بسازیم و بعد آن را فشرده کرده و یک فیلم سینمایی از آن در آوریم. ما خودمان هم در لیلی یا من است سعی کردیم نسخه‌های تلویزیونی و سینمایی را کاملاً متفاوت از هم بسازیم و امیدواریم موفق شده باشیم.»

در صحبتهای کارگردان درباره این پدیده، جنبه کیفی کار هم مورد توجه قرار داشت. در مبحث کیفی کار جای صحبت باقی می‌ماند. بدین معنی که آیا موضوع فیلم

خاصی به وجود نیاید. فیلمسازان ما باید در جهت اصلاح این حرکت اقدام کنند و نه در جهت خرابی آن. ما نباید به این دلیل که مسئله جواب ندارد صورت مسئله را پاک کنیم. پس باید در صدد باشیم فیلمی که از این مجموعه جدا می‌شود دچار مشکلی این چنین نشود. این برنامه شکل دومی هم دارد و آن این است که فیلمسازان به دلیل مشکل مالی برای ساختن به سیما فیلم مراجعه می‌کنند و وامی از آنها می‌گیرند.»

از فیلمهای موفق سینمای ایران در سال جاری فیلم لیلی یا من است بود که با فروشی قابل توجه چشمها را به سوی خود معطوف کرد. لیلی یا من است با پا گذاشتن به عرصه‌های نایب‌موده سینمای جنگ و احتیاط کامل در جهت جلوگیری از ابتدال در مورد جنبه کمدی قضیه در برابر وجه دفاع مقدس و کارگردانی خوب و هوشمندانه



کارگاه



نگاهی دیگر

اندیشه، سبک و شیوه‌های کار سینمایی دست نویسندگان و کارگردانان باز بوده باشد آن وقت باید گفت که در بحث کیفی، فیلم - مجموعه پدیده موفقی خواهد بود و به احتمال بسیار موجب تحول بزرگی در صنعت تولید فیلم کشور خواهد گردید و خود نقطه عطفی در تاریخ سینما و تلویزیون خواهد بود. بستری که آینده‌ای روشن بر پایه حاکمیت اندیشه، خلاقیت و پویایی بر پهنه آن شکل خواهد گرفت.

به هر حال سابقه کمابیش محسوس این پدیده در سالهای قبل از شکل‌گیری ساختار موجود، نشان از عدم موفقیت و ناکامی این طرح دارد. در چند سریالی که در سالهای گذشته ساخته شدند (از جمله قریانی، لبه تیغ و...) علاوه بر اینکه فیلمهای سینمایی آنها موفقیتی کسب نکردند، خود سریالها نیز نتوانستند جلب توجه کنند. حتی فیلم آخرین پندر چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی نتوانست به نتایج قابل قبولی برسد.

اگر قرار باشد وضع بقیه محصولات فیلم - مجموعه‌های تلویزیون نیز به همین منوال ادامه یابد و فیلمهای سینمایی در سایه بیابند و بروند و سریالها نیز با سرنوشت نامطلومی مواجه شوند، قطعاً باید گفت باید بر تمام فرضیات فوق‌الذکر خط بطلان بکشیم و مخالفتهای صاحب نظران را با این پدیده مورد تأیید قرار دهیم. هر چند قضاوت الان خیلی زود است و باید به انتظار بنشینیم و به انتظار نمایش این فیلمها در چارچوب این پروژه بزرگ فرهنگی و ملی بمانیم.

هستند، از جمله ایجاد واقعه و یا شخصیتی جالب توجه در همان اوان شروع برنامه، که این ارائه در یک اثر سینمایی می‌تواند به مرور و با صبر و حوصله‌ای فزونتر انجام پذیرد، و یا رقیق کردن میزان تراکم حوادث و اطلاعات نسبت به سینما تا آن که قطع ارتباطهای موقت بیننده با برنامه او را در تعقیب ادامه برنامه با مشکل جدی روبرو نسازد.

تنوع بینندگان تلویزیون ویژگی دیگر است که سطح درک بصری آنها را در مقایسه با تماشاگران سینما که می‌توانند فیلمهای مورد نظرشان را با توجه به کیفیت درک بصری خود انتخاب کنند، غیر قابل تقسیم‌بندی می‌کند. بنابراین اگر چه فیلمساز در برخی مواقع می‌تواند از طیف برگزیده تماشاگران آثارش، انتظار ارتقاء سطح کیفی درک شکل و محتوا، تا حد فیلمهای خود داشته باشد، ولی یک برنامه‌ساز به دلیل اشتغال در رسانه‌های فراگیر و متنوع از نظر بیننده، عموماً از داشتن چنان انتظاری محروم است و در اینجا سعی می‌کند با تولید برنامه‌های عامه فهم بینندگان را از این نظر بستنند. در ضعفهای دیگر مثل بازیگری و فیلمنامه‌نویسی هم این چنین است. این نظریه هر چند صدرصد نیست اما در صورتی که چنین اتفاقی در یکی دو سال اخیر رخ داده باشد و مسئولین تلویزیون در این مورد دقت کافی نکرده باشند تا حدود زیادی درباره فیلمسازان و بازیگران غیر طراز اول که تعدادشان کم نیست قابل پذیرش است. اما چنانچه آثار و تبعات و نوع کار در سینما و در تولید مجموعه‌های تلویزیونی اعمال شده باشد و در ارائه

- مجموعه به کیفیت محتوای سینما لطمه وارد می‌کند یا خیر، صاحب نظران می‌گویند مشکل عمده، تفاوت نگاه تلویزیونی و سینماست. تلویزیون به هر صورت با وجود تمامی انگیزه‌های مثبت به سینما و حسن نیتش به آن، مجبور است برای مخاطب دیگری فیلم بسازد. تلویزیون از مجرای آنتن به مخاطب نشسته در خانه با هر نوع دید و معلومات و سلیقه‌ای نگاه می‌کند و سینما از مجرای گیشه و سالن سینما، تلویزیون مجبور نیست مخاطب را فرا بخواند. او آماده و در انتظار فرا رسیدن محصول آن است و سینما مجبور است با ایجاد جذابیت‌های خاص و روشهای بسیار فنی و پیچیده مخاطب را از خانه بیرون بکشد و اتفاقاً به قشر خاصی نیز توجه کند. بنابراین بدلیل متفاوت بودن مخاطبین دو رسانه هیچ یک نمی‌توانند به صورت فعلی به کمک هم بشتابند. چرا که از جنبه به کارگیری نیروی متفکر و صاحب سبک سینما در تلویزیون نیز هنرمند دست پرورده سینما به نوعی آلوده برنامه‌سازی برای تلویزیون شده و سلیقه‌ها، تجربیات و خصوصاً نگاه خاص خود به مضامین، روش‌ها و پسند مخاطبین آثار خود و سینمای ناب را از دست داده و مبدل به یک برنامه‌ساز تلویزیونی می‌شود که حتی پس از بازگشت به سینما هم نمی‌تواند تجربیات کسب شده خود در تلویزیون را کنار بگذارد و همین به سینما لطمه وارد می‌کند.

بزرگمهر رفیعا، مدرس سینما و سازنده فیلم دادستان در این مورد گفت:

«این که دوستان در هر شرایطی بتوانند فیلم بسازند نعمتی است. اما این روش سینمای ما را شدیداً تحت تأثیر تلویزیون قرار می‌دهد. بدون شک مجموعه سازی تأثیرات منفی بر سینما خواهد گذاشت و من مخالف آن هستم. بدیهی است ساختن سریال خوب اگر طبق نیازهای تلویزیون ساخته شود اشکالی ندارد. اما نباید کاری به کار سینما داشته باشد.»

دیگر مخالف این روش پرویز صبری کارگردان فیلم گارد ویژه است. او این را متذکر شد که قرار بوده گارد ویژه هم به صورت فیلم مجموعه ساخته شود اما ایشان قبول نکرده است و در ادامه گفت:

«سریال سازی مقوله دیگری دارد و فیلم مقوله‌ای دیگر. سریال دنیای دیگری است و دوربینش فرق می‌کند. کادرش فرق می‌کند، قصه‌اش فرق می‌کند و... نباید به این شکل کار کرد. فیلم ماهیتش را از دست می‌دهد. تلویزیون سازمانی است که خوراک می‌خواهد و باید به هر نحوی ارائه شود. بیننده‌ها انتظاری را که از سینما دارند از تلویزیون ندارند. وقتی قرار است فیلم دو ساعته‌ای تبدیل به شش یا هشت قسمت پنجاه دقیقه شود ناچار باید رایش را زیاد کرد تا مفهوم سریال به دست آورد اما مخاطب سینما دلش می‌خواهد فیلم را کامل ببیند و فیلم - مجموعه بودن به فیلم سینمایی لطمه می‌زند. کار کردن در مورد سریالهای مذهبی و تاریخی هم گونه دیگری است که داوود رشیدی در مورد این موضوع فقط در این روش کار موافق است و کار کردن سریالهای تاریخی مذهبی را حتی با دکوپاژ و دوربین‌های جدا توصیه می‌کند.

اما غیر از آنچه گفته شد، حیطه تفاوت‌های رسانه‌ای در عرصه‌های فنی و زیبایی شناختی هم از گستردگی قابل توجهی برخوردار است و این اختلافات ریشه در مختصات گوناگون هر رسانه دارند. تماشاگر سینما عموماً با به عهده گرفتن هزینه‌های خود خواسته نظیر پول، ایاب و ذهاب و تخصیص بخشی از وقت روزانه خود داوطلبانه پای به سینما می‌گذارد و با فرض گرفتن فقدان هر انگیزه دیگری حداقل به خاطر سرمایه‌گذاری‌های فوق سعی می‌کند بیشترین استفاده را از ساعات حضورش در سینما اخذ کند و سایر شرایط حاکم بر سینما را در رسیدن به اهداف خود یاری می‌نماید. اما برنامه‌های تلویزیونی که فاقد خصایص جنبی فوق هستند برای جذب بینندگان گریزهای خود نیازمند ارائه ویژگیهایی در ساختار برنامه‌ها